

توقعات ما از برجام ۱۴۰۰

برجام ۲۰۱۵ پشتوانه بزرگ مردمی داشت. حسن روحانی توانسته بود میلیون‌ها ایرانی حتی مخالف خود را با آن همراه کند و حتی در انتخابات ۱۳۹۶ با همه تلاش‌های جناح اصولگرا، کرسی ریاست‌جمهوری را با قدرت در اختیار خود نگه دارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا نوشت: برجام با وجود همه سم‌پاشی‌های ما اصولگراها، توانست زنجیر تحریم را برای مدتی از پای اقتصاد ایران باز کند. گول نومی‌دی را برای مدتی توی شیشه حبس کند و لبخند را بر لبان اقشار مختلف مردم بنشانند. منهای کسانی که توفیق برجام، بسان بغضی نهفته در گلویشان، راه را بر تنفس راحت بسته بود، هوایی تازه برای خلق‌الله فراهم شده بود. آحاد جامعه - غیر از ما اصولگراها - هرگز چنین احساسی نداشت که استقلال و عزت و شرف ایران را فروخته‌ایم. برداشت عمومی این بود که برای آرامش ملت، قدمی برداشته شده است.

بعد از توافق برجام، رقابت خارجی‌ها بر سر سرمایه‌گذاری در داخل ایران شروع شد. امریکایی‌ها، اروپایی‌ها و شرقی‌ها (ژاپن) توی صف ایستادند. سرمایه‌گذاری خارجی، امنیت می‌آورد. این یک واقعیت عینی است. اگر فرصت دوره اوباما را نسوزانده بودیم، میلیاردها دلار سرمایه خارجی کف اقتصاد ایران را پوشانده بود و روی کار آمدن ترامپ هم نمی‌توانست زیان چندانی به برجام وارد کند. شرکت‌های سرمایه‌گذار چندملیتی به عنوان بخش خصوصی، فشارشان قوی‌تر و ژرف‌تر از اراده ترامپ بود و او را به‌طور کامل مبسوط‌الیه نمی‌گذاشت. اخم ما به سرمایه‌گذاری خارجی، مدت‌ها قبل از رییس‌جمهور شدن ترامپ اتفاق افتاد و در واقع، خودمان بودیم که پیش و بیش از او به برجام لگد زدیم...

البته که تحریم‌های وضع شده توسط او به غیرانسانی‌ترین شکل انجام شد و ایران را دچار مشقت‌های زیادی کرد. حالا، اما مذاکرات برجام ۱۴۰۰ قرار است توسط دولت اصولگرایی ریسی دنبال شود. درست است که این دولت نه ظریف دارد و نه عراقچی، اما می‌خواهد همه مزیت‌های گذشته را به دست آورد و چیزهایی هم به آن بیفزاید.

این رویکرد را باید به فال نیک گرفت و از تیم مذاکره همه گونه حمایت کرد. با این حال، یکی از خدمات‌هایی که می‌توان و باید به تیم جدید کرد، منطقی کردن انتظارات است. یعنی توقعات مردم را مانند دوره روحانی و ظریف بالا نبرد و دولت ریسی را در برابر هجوم مطالبات قرار نداد.

در برجام ۱۴۰۰ حتی در صورت رفع تحریم‌ها، صادرات نفتی ایران به میزان گذشته نخواهد رسید، دلیلش روشن است. ۵-۶ سال پیش نیاز به نفت ایران بسیار بالا بود، اما بعد از شکست برجام، نفت‌داران منطقه به‌ویژه عربستان، کمبود بازار را پوشش دادند و حالا دیگر مشتری به اندازه چند سال قبل موجود نیست مگر اینکه بپذیریم نفت را به تک خریدار (واسطه‌های طماع و سودجو) به زیر قیمت بفروشیم.

به علاوه، بعید و نزدیک به محال است که غربی‌ها به اندازه چند سال قبل، شوق به سرمایه‌گذاری در ایران داشته باشند. آنها هم برخی کشورهای منطقه را ترجیح داده‌اند و پول‌هایشان را در آنجا خرج می‌کنند. می‌ماند چین که البته فعلاً آن را هم باید غنیمت شمرد. مزیت دیگر برجام ۱۴۰۰ برداشته شدن تحریم صادرات است و عملاً می‌تواند ایران را در جایگاهی قرار دهد که بتواند محصولاتش را در بازار عرضه - تقاضا به مطلوب‌ترین قیمت بفروشد.

اگر قسه FATF حل شود - که ظاهراً چنین قراری هست - این مزیت می‌تواند حال اقتصاد را تا اندازه‌ای خوش کند. برگشت دادن پول‌های بلوکه شده هم مزیت بعدی است که می‌تواند خبری خوشایند باشد. همین‌ها البته مزیت‌های کمی نیست و اگر اقتصاد را درست مدیریت کنیم، می‌توانیم به منافع بالاتری خوش‌بین باشیم. اما در حال حاضر نباید انتظارات را لاف‌ل در کوتاه‌مدت بالا برد. در میان‌مدت هم باید به عملکرد قدرتمندانه دولت سیزدهم در عرصه اقتصادی و روابط بین‌المللی امیدوار بود. و آدمی به امید زنده است.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: اعتماد